



# چین؛ درانتظار ایفای نقش برتر در منطقه «آسیا-پاسفیک»

● نوشته: دکتر بهزاد شاهنده دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و محقق ارشد مؤسسه مطالعاتی جنوب شرقی آسیا

ترکستان شرقی (شین جیانگ یا سین کیانگ سابق) وجود دارد. از جمله گفته می‌شود منطقه «تارین» (Tarin) هفتاد میلیارد تن نفت (دو برابر حجم ذخایر نفتی عربستان) را در دل خود نهفته دارد. هزینه آماده‌سازی این منابع و بهره‌برداری از آنها در حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده و هم اکنون تقریباً سی هزار نفر کارگر در رابطه با منابع نفتی مشغول کارند. یکی از علل رفتار آرام چین با دیگران، که سوءظن برخی از کشورهای منطقه را برانگیخته است، نیاز به جلب سرمایه‌های خارجی و تأمین هزینه برنامه‌های بزرگ اقتصادی از جمله در زمینه کشف و استخراج نفت می‌باشد.

با وجود برقراری روابط بهتر میان چین و کشورهای روسیه، ژاپن، کره جنوبی و ایالات متحده آمریکا، علائم دریافتی از چین که توأم با نگرش صلح‌جویانه و در عین حال غیرسازش کارانه است، منطقه آسیا-پاسفیک را در وضعیت نامطمئن قرار داده است (برای کشورهای آسیای جنوب شرقی و شرق آسیا امنیت سابق دیگر تضمین شده نیست) و باعث گردیده کشورهای منطقه به نحوی سابقه‌ای به جنب و جوش درآیند و به تقویت بنیه نظامی خویش پردازند (البته دلایل دیگری هم در این زمینه وجود دارد که به چین مربوط نمی‌شود، مانند خلاء قدرت ایجاد شده در منطقه، عقب‌نشینی سمبولیک آمریکا از منطقه - آمریکا عملاً توان مقابله با چالش‌های پس از جنگ را ندارد - نگرانی نسبت به گرایش مجدد ژاپن به نظامی‌گری و...)

جمهوری خلق چین به کرات عنوان کرده است که سیاست خارجی مستقل و صلح‌آمیز خود را تعقیب می‌کند و روابط با دیگر کشورها را براساس «بهبود همزیستی مسالمت‌آمیز»<sup>۵</sup> و «ده اصل کنفرانس باندونگ سال ۱۹۵۵»<sup>۶</sup> تنظیم خواهد کرد. اصول یاد شده، عمدتاً نکات مشترکی چون احترام متقابل به حاکمیت، تمامیت ارضی، عدم تجاوز، عدم مداخله در امور داخلی، برابری و... را در روابط میان کشورها یادآور می‌شود.

برای کشور چین که در پی تحویل تکنولوژی و نوسازی اقتصادی خویش است، رعایت موازین فوق بسیار مطلوب است. معهذاً مسائل زیادی وجود دارد که بایستی قبلاً حل و فصل شود تا بتوان شرایط فوق‌الذکر را تحقق بخشید و نظام منطقه‌ای جدیدی براساس همزیستی پدید آورد. به اختصار به چند مسئله حل نشده و بالقوه تنش‌زا اشاره می‌شود. بعنوان نمونه، ادعای حاکمیت چین با تاکید بر حقوق تاریخی نسبت به جزایر واقع در دریای جنوبی چین، بویژه رشته «جزایر اسپراتلی»<sup>۷</sup> قابل بحث و سازش نیست و اصل حاکمیت چین در متمم قانون اساسی ۱۹۹۲ آن کشور گنجانده

● بنا به دعوت مؤسسه مطالعاتی جنوب شرقی آسیا در سنگاپور در «کنفرانس بین‌المللی جنوب شرقی آسیا: چالش‌های قرن بیست و یکم» که از ۲۹ اوت تا دوام سپتامبر ۹۳ در سنگاپور تشکیل شد، شرکت کردم. مباحث مطرح شده در کنفرانس مزبور بنده را ترغیب کرد که دست به تهیه مقاله‌ای در مورد نقش جمهوری خلق چین در منطقه بسیار حساس و استراتژیک آسیا - پاسفیک بزنم که خلاصه‌ای از آن هم اکنون تقدیم محققان مسائل سیاسی چین می‌شود.

● جمهوری خلق چین به عنوان بازیگر عمده در منطقه آسیا - پاسفیک، در راه مبدل شدن به یکی از بزرگترین قدرت‌های اقتصادی - نظامی منطقه (احتمالاً در دهه آینده) است. پی‌آمدهای این دگرگونی صرفاً متوجه منطقه فوق‌الذکر نخواهد بود، بلکه اثراتی نیز در ساختار نظام جدید بین‌المللی برجای خواهد گذاشت. به گفته پروفیسور «مایکل لی فر»<sup>۲</sup> استاد دانشگاه لندن که در مورد منطقه آسیا - پاسفیک مطالعات بسیار ارزنده‌ای دارد و در کنفرانس ذکر شده شرکت کرده بود، تحولاتی که در دهه اخیر (پس از سومین اجلاس یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین در دسامبر ۱۹۷۸ و به عبارتی آغاز عصر «دنگ شیائ‌پینگ»)<sup>۳</sup> در این کشور پهنای رخ داده است بزرگترین تحول در دهه اخیر در سطح جهان می‌باشد، تحولی که باعث شده چین به صورت موتور حرکت مسائل اقتصادی و سیاسی و امنیتی در منطقه بزرگ اقیانوس آرام درآید. چین کشوری است دارای قدرت نظامی بالفعل و ظرفیت اقتصادی بالقوه و طبق نظر کارشناسان، در ربع اول قرن بیست و یکم از لحاظ قدرت اقتصادی از ژاپن، غول بزرگ اقتصادی جهان، پیش خواهد افتاد (ژاپن که به یک غول ۶۰۰ کیلویی تشبیه شده است، هم اکنون ۱۵۰ کیلو از وزن خود را از دست داده و بارشد اقتصادی دو درصد، با مشکلاتی روبرو است - این در زمانی است که چین قاره‌ای، در چند سال اخیر، رشدی معادل ۱۲/۵ درصد در کل کشور و ۱۹ درصد در جنوب کشور که مناطق آزاد تجاری در آنجا قرار دارد داشته است و طبق بررسی‌های علمی، روند کنونی درآینده قابل پیش‌بینی نیز می‌تواند ادامه یابد.)

نکته قابل توجه این که چینی‌ها حدود پانزده سال است در آبهای ساحلی در جستجوی نفت هستند ولی موفقیت چندانی به دست نیاورده‌اند. در حال حاضر ظرفیت منابع شناخته شده نفت در چین نزدیک به ۳/۵ میلیارد تن است ولی گزارش‌های انتشار یافته مبنی بر اینکه ذخایر بسیار مهمی نیز در

● چین کشوری است دارای قدرت نظامی بالفعل و ظرفیت اقتصادی بالقوه و طبق نظر کارشناسان، در ربع اول قرن بیست و یکم از لحاظ قدرت اقتصادی از ژاپن، غول بزرگ اقتصادی جهان پیش خواهد افتاد.

● چین در حال حاضر به دنبال خریدن وقت و در انتظار زمانی است که بتواند توسعه هماهنگ و همه جانبه خود را تکمیل کند و به قدرت برتر منطقه تبدیل شود. چین به يك دوره دهساله آرامش نیاز دارد.

● جمهوری خلق چین در زمینه سیاست خارجی به کشوری خواهان حفظ وضع موجود مبدل شده و تا آنجا که امکان داشته باشد، از هرگونه درگیری پرهیز می کند و عملاً سیاست حفظ روابط دوستانه با تمام کشورهای جهان را در پیش گرفته است.

شده اند، رشد اقتصادی به عنوان مهم ترین عامل هویت کشورها - یا به گفته ای ملاک اصلی قدرت آنها - محسوب می شود. ژاپن در دهه ۱۹۶۰ رشد قابل توجه اقتصادی داشت؛ کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور (چهار ببر اقتصادی شرق آسیا)<sup>۱۶</sup> در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به رشد چشمگیر اقتصادی دست یافتند؛ اقتصاد تایلند و مالزی در اواخر دهه ۱۹۸۰ جهش یافت؛ جمهوری خلق چین نیز در مناطق جنوبی خود در اوایل دهه ۱۹۹۰ به شکوفایی بی نظیر رسید، به گونه ای که هم اکنون نزدیک به ۲/۷۰۰ منطقه آزاد تجاری در چین وجود دارد و عملاً موتور حرکت اقتصاد هوای کشور بزرگ چین را تشکیل می دهد (بسیاری از تحلیل گران، برای ویتنام، اندونزی و احتمالاً فیلیپین در اواخر دهه ۱۹۹۰ توسعه صنعتی قابل توجه پیش بینی می کنند).

در سالهای اخیر، برخی از چین شناسان نظر داده اند که جمهوری خلق چین «راه توسعه آسیایی»<sup>۱۷</sup> یعنی رشد عظیم اقتصادی توأم با اصلاحات را با حفظ حکومت اقتدارطلب، به مدد لازم دنبال خواهد کرد، ولی سرانجام دارای يك نظام سیاسی کثرت گرا خواهد شد و به راهی خواهد افتاد که اخیراً دو کشور کره جنوبی و تایوان (فرمز - جمهوری چین) در آن گام نهاده اند.

ادامه سیاست اصلاحات اقتصادی همراه با کنترل سخت سیاسی که «دنگ شیائ پینگ» در طول پانزده سال حکومت خود در پیش گرفته است، برای همیشه میسر نیست و اگر اصلاحات اقتصادی توأم با اصلاحات سیاسی جنبه ساختاری پیدا نکند و نهادی نشود، رشد اقتصادی اولیه کند می شود و سرانجام متوقف می گردد. کاری که «دنگ» انجام داده این است که مانند راننده ای همزمان بر پدال های گاز اصلاحات اقتصادی و ترمز کنترل سیاسی فشار آورده و بدیهی است که اگر این کار به مدت طولانی ادامه پیدا کند، ماشین از کار خواهد افتاد. «باربر کونابل»<sup>۱۸</sup> عقیده دارد که اصلاحات اقتصادی پس از ماجرای «میدان تین آن من»<sup>۱۹</sup> و سرعت کنونی تحولات اقتصادی، در آینده نزدیک لزوم انجام گرفتن اصلاحات سیاسی جدی را مطرح خواهد کرد. «کونابل» این پرسش را مطرح می کند که آیا نخبگان سیاسی کشور چین زمام امور را در اوضاع و احوال دستخوش تغییر به دست خواهند گرفت و خود جلودار اصلاحات سیاسی خواهند شد یا اینکه مجبور به تجدید نظر در موضع خود خواهند گردید؟<sup>۲۰</sup>

به عبارت دیگر، پرسش اصلی این است که آیا گذار به حکومت پس از «دنگ» به آرامی انجام خواهد گرفت؟ رهبر چین به نود سالگی نزدیک می شود و هیچ کس به درستی نمی تواند آینده را پیش بینی کند. برخی از

شده است. هر چند «بی جینگ» آمادگی خود را برای مذاکره با دیگر مدعیان این جزایر - مالزی، برونی، ویتنام، فیلیپین، تایوان - اعلام نموده و پیشنهادهایی نیز در مورد انجام عملیات مشترک در زمینه کشف منابع نفت و گاز در حوزه دریای جنوبی ارائه کرده، ولی این گفتگوهای صلح آمیز از نظر «بی جینگ» زمانی امکان پذیر است که حاکمیت بی چون و چرای چین بر این مناطق مورد شناسایی قرار گیرد.

جزایر «اسپراتلی» از اهمیت استراتژیک برخوردار است زیرا در مسیر خطوط ارتباطی دریائی<sup>۲۱</sup> قرار گرفته است. مقامات چینی تمایل به بزرگ جلوه دادن نزاع بالقوه بر سر جزایر مذکور دارند و بارها تاکید کرده اند که دلائل بی چون و چرا و محکمی مبنی بر حاکمیت چین موجود است و موضع آن کشور در این زمینه تغییرناپذیر می باشد.

چین تلویحا خواهان عدم ارتباط آمریکا با ژاپن است و عنوان کرده است در صورتی به همکاری با ژاپن - که همراه با چین از بازیگران اصلی در زمینه صلح و امنیت منطقه آسیا و پاسفیک است - خواهد پرداخت که ژاپن مناسبات تنگاتنگ خود با آمریکا را از حالت وابستگی به آن کشور خارج سازد.<sup>۲۲</sup> لغو «قرارداد دوجانبه امنیتی آمریکا و ژاپن»<sup>۲۳</sup> مد نظر است ولی اگر ژاپن از قرارداد امنیتی با آمریکا دست بردارد، توکیو ناگزیر به دنبال افزایش توان نظامی خود برای پر کردن خلاء قدرت ناشی از برداشته شدن چتر امنیتی آمریکا خواهد پرداخت. اگر چنین وضعی پیش آید و ژاپن به نظامی گری مجدد بپردازد، با توجه به خاطرات تلخ دوران جنگ دوم جهانی، لرزه بر اندام کشورهای به اصطلاح کتک خورده منطقه آسیا - پاسفیک می افتد و آنها احتمالاً برای حراست از تمامیت ارضی خود به چین روی خواهند آورد. بدین سان، تصور سنتی از چین به عنوان «امپراتوری میانه»<sup>۲۴</sup> که در قدیم بر کشورهای کوچک منطقه حالت اربابی داشته و آنها برای تضمین بقای خود به این امپراتوری باج و خراج می پرداخته اند، بار دیگر زنده می شود (لازم است گفته شود که چین هیچگاه يك کشور امپریالیستی به معنی رایج کلمه در قرن اخیر نبوده، بلکه بیشتر جنبه محوری داشته است - برخی از چین شناسان، این کشور را در گذشته و حتی امروز که بسیار نیرومندتر است، به عنوان شیری در اتاق بزرگ «منطقه آسیا - پاسفیک» تلقی کرده اند که هیچ کس در آن اتاق نمی تواند وجود این حیوان به ظاهر آرام و بالقوه خطرناک را نادیده گیرد و باید تلاش کند که نظرش را جلب نماید). نظریه «امپراتوری میانه» (جونگ گو).<sup>۲۵</sup>

یکی از دلایلی که باعث گردیده آمریکا برای تعیین نقش امنیتی خود در چارچوب وضعی که مشهور به «تعاون در مراقبت»<sup>۲۶</sup> است مشکل پیدا کند، این است که مفهوم امنیت مورد نظر آمریکا با مفهوم امنیت در نزد کشورهای عضو «اتحادیه آسیای جنوب شرقی» موسوم به «آسه آن» فرق دارد. ایالات متحده، امنیت را صرفاً از زاویه نظامی می نگرد، در حالی که کشورهای «آسه آن» امنیت را به عنوان عاملی در جهت تأمین و ارضای ارزشهای مردم تلقی می کنند.

روابط دوجانبه چین با کشورهای «آسه آن» نسبت به روابط چین با دیگر کشورهای حوزه آسیا - پاسفیک در سطح کلان نیست. چین و کشورهای «آسه آن» تقریباً در سطوح مشابهی از توسعه اقتصادی قرار دارند، از کمبود منابع سرمایه رنج می برند و تا اندازه کمی مکمل یکدیگر هستند. مناسبات چین و کشورهای «آسه آن» غالباً با توجه به مشکلاتی نظیر مسئله کامبوج و امیال و آرزوهای سیاسی و نظامی ژاپن شکل می گیرد.<sup>۲۷</sup> چین به عنوان يك کشور بزرگ در حوزه آسیا - پاسفیک، می تواند بر جریان تبیین يك نظام منطقه ای اثر بگذارد.

چین در حال حاضر به دنبال خریدن وقت و در انتظار زمانی است که بتواند توسعه هماهنگ و همه جانبه خود را تکمیل کند و به قدرت برتر منطقه مبدل گردد. جمهوری خلق چین در چهارده سال گذشته بطور متوسط رشدی معادل ۹ درصد در تولید ناخالص ملی داشته است که در تاریخ معاصر اگر بی سابقه نباشد، کم نظیر است.

در زمانی که «اقتصادهای تازه صنعتی شده»<sup>۲۸</sup> در سراسر آسیا گسترده

جنبش را علنی نمی‌کردند و به جهانیان نشان نمی‌دادند، آمریکا هیچ‌گاه چین را تحریم اقتصادی نمی‌کرد. علیرغم روابط تیره با آمریکا، کشور چین از عقب‌نشینی بالقوه آمریکا از آسیا استقبال نکرده و اعلام نموده که مسئله امنیت منطقه آسیا-پاسفیک بایستی تدریجاً حل و فصل گردد.<sup>۲۲</sup> به عبارت ساده، آمریکا لازم نیست برای خروج از این منطقه عجله کند و اساساً اگر در آنجا بماند چینی‌ها خوشحال خواهند شد، زیرا در آن صورت می‌توانند راه توسعه اقتصادی و کسب تکنولوژی پیشرفته را با تمام قدرت و بدون وقفه ادامه دهند. وجود این تفاهم کلی میان قدرتهای بزرگ جهان نیز که چین را در مسیر فعلی نگاه دارند، دال بر موقعیت خوب چین در جهان است. اما آنچه گفته شد نباید به عنوان نرمش بیش از حد و سازش از جانب چین تلقی شود. چینی‌ها نسبت به اصول اعتقادی خود نرمشی نشان نداده‌اند و در مواردی با قدرت کامل خواستها و مواضع خویش را اعلام کرده‌اند. جمهوری خلق چین، همانطور که گفته شد، از ادعاهای خود نسبت به جزایر «دریای جنوب چین» که بر سر آن با کشورهای نظیر تایوان، ویتنام، فیلیپین و مالزی و برونی اختلاف دارد، دست برنداشته است. دولت چین از این لحاظ با فشار داخلی و افکار ناسیونالیستی که خواهان تأکید بیشتر بر ادعاهای سنتی چین است روبرو می‌باشد. در سال ۱۹۹۲ موادی به قانون اساسی اضافه شد و بر حاکمیت چین بر جزایر منطقه دریای جنوب صحت قانونی گذارد.

دولت چین، همزمان با سخت‌گیری و عدم نرمش در داخل، در سیاست خارجی منطقه‌ای خود انعطاف نشان داده و اعلام کرده است که مایل به حل و فصل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز و اقدامات مشترک اقتصادی برای بهره‌برداری از منابع دست نخورده در جزایر منطقه مزبور است.<sup>۲۵</sup> «چیان چی چن»<sup>۲۶</sup> وزیر خارجه چین که اخیراً پست معاونت نخست‌وزیری را نیز در اختیار گرفته، در ارانه تصویری دوستانه از چین در جهان نسبتاً موفق بوده است.

ذکر مثال دیگری به درک بهتر سیاست فعلی چین کمک می‌کند. پس از اینکه بیل کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا شرایطی از جمله عدم پذیرش صادرات کالاهای ساخته شده بوسیله زندانیان در چین را برای تمدید قرارداد ترجیحی سالانه با آن کشور مطرح کرد (چین در سال ۱۹۹۲، ۱۵ میلیارد

صاحب‌نظران خوش بینی محتاطانه‌ای دارند مبنی بر اینکه اصلاح طلبانی که دارای سوابق خوب مدیریتی در سطح استان‌ها و شهرداری‌ها هستند، مانند «جورونگ‌جی»<sup>۲۱</sup> (شهردار سابق شانگهای و معاون نخست‌وزیر فعلی و عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ۵۲ میلیونی) و شهرداران شهرهای بزرگ مثل «گوانگ‌جو»<sup>۲۲</sup>، تدریجاً نقش عمده را ایفا خواهند کرد و همزمان به توسعه اقتصادی و ایجاد جو آزاد سیاسی خواهند پرداخت.

در حال حاضر، انجام اصلاحات سیاسی در دستور کار قرار ندارد ولی اوضاع تحت کنترل است. جمهوری خلق چین در زمینه سیاست خارجی عملاً به کشوری خواهان حفظ وضع موجود مبدل شده و تا آنجا که امکان داشته باشد از هرگونه درگیری پرهیز می‌کند و عملاً سیاست حفظ روابط دوستانه با تمام کشورهای جهان را در پیش گرفته است.<sup>۲۳</sup>

چین، به علل گوناگون، بیشتر مایل است ایفاگر نقش دنباله‌رو باشد تا اینکه فعال رهبری را به دست گیرد. چین در سازمان ملل متحد حرف اکثریت را می‌زند و تمام کارهایی را که شورای امنیت از آن کشور توقع دارد انجام می‌دهد. در حالی که چین با تمام قطعنامه‌های پیشنهادی اخیر ایالات متحده موافقت نداشته، هیچگاه از حق وتو استفاده نکرده است.

چین نقش حامی سازمان ملل را در عملیاتی نظیر عملیات در سومالی و کامبوج ایفا کرده و گروه نظامی و مهندسی خود را برای مشارکت در فعالیت‌های سازمان ملل در کامبوج اعزام کرده است. چین از پشتیبانی آشکار از دوستان قدیم خود مثل «خبرهای سرخ» و کره شمالی دست برداشته و سال گذشته با وجود اعتراض کره شمالی و کشورهای مسلمان با دو کشور کره جنوبی و اسرائیل روابط دیپلماتیک برقرار کرده است. چینی‌ها در حال حاضر در مسائل خاورمیانه سیاست بی‌طرفی اتخاذ کرده‌اند و در مورد مسئله کره نیز خاطرنشان ساخته‌اند که این مسئله بایستی از راه گفتگو میان طرفین متخاصم حل و فصل گردد.

آنها در زمینه بحران اتمی بین آمریکا و کره شمالی نیز موضع بی‌طرفی داشته‌اند و خواهان گفتگوی مستقیم بیونگ‌یانگ و واشنگتن شده‌اند. آمریکا هم عملاً خواهان یک چین با ثبات و قدرتمند است و به قولی اگر خبرنگاران حاضر در چین در جریان وقایع «تین‌آن‌من» مسئله سرکوب



اعلام کنند و در ضمن بپذیرند که سلاح اتمی را بر ضد کشورهای غیر اتمی به کار نبرند. همچنین، جمهوری خلق چین خواستار شناسایی مناطقی به عنوان مناطق عاری از سلاحهای اتمی شده و از تمام کشورهای اتمی خواسته است که سلاحهای هسته‌ای مستقر در خارج از مرزهای خود را منهدم یا از آن مناطق خارج سازند (چین در سال ۱۹۹۲ به قرارداد منع گسترش سلاحهای اتمی پیوست).

به عبارت ساده‌تر، گرچه «بی‌جینگ» عملاً در پی خریدن وقت است و نیاز به یک آرامش ده ساله دارد تا راه را برای شکوفایی توان بالقوه خود هموار سازد، لکن هرگاه که شرایط را به سود خود دیده و جو روانی آماده بوده، از نشان دادن دندانهای خود و گرفتن ژست قدرتمندانه بهره جسته است.

چین آشکارا اصول سیاست خارجی خود را مشخص کرده است، اصولی که کشورهای دیگر می‌توانند آن را بپذیرند، یا از آن استفاده کنند و بعنوان الگویی برای ابتکار عمل مورد توجه قرار دهند.<sup>۳۰</sup> بنابراین در زمانی که همه کشورهای حوزه آسیا - پاسفیک در پی ایجاد آرامش و ثبات در منطقه هستند، هیچ‌گونه نظم امنیتی وجود ندارد که برای تمام کشورها مورد پذیرش باشد زیرا دیدگاهها متفاوت است. معهذاً بحران اروپا (مسئله بوسنی و هرزگوین و جنگ اروپائینها با یکدیگر) تاثیر بسزایی در منطقه آسیا گذاشته است و در این میان، چین به عنوان کشوری بزرگ و نیرومند در منطقه که می‌تواند به برهانی نظم نوینی در منطقه کمک کند یا چنین روندی را به تعویق اندازد، جایگاه ویژه‌ای دارد. تمامی کشورهای منطقه دست کم در یک مورد متفق‌الرأی هستند و آن اینکه چین را در وضعیت ثبات و سیاست‌های آنرا درحالت مسالمت‌آمیز نگهدارند که این خود مطلوب چین است زیرا به آن کشور فرصت خواهد داد که به قدرت برتر منطقه مبدل شود. به جرات می‌توان گفت که چین هدف مشخصی را دنبال می‌کند، درحالی که آمریکا هدفهای گوناگون و عملاً نامشخص و سیاست خارجی سردرگمی دارد. از سوی دیگر، روسیه گرفتار مبارزات داخلی بر سر قدرت (بین مجلس و رئیس‌جمهور) می‌باشد. ژاپن نیز در تلاطم است و به گفته برخی از صاحب‌نظران در بدترین وضعیت امنیتی خود پس از جنگ دوم جهانی قرار دارد. اروپا دچار تفرقه است و اتحادیه اروپا با مشکلات عدیده روبروست. دنیای پس از جنگ سرد دنیایی است پر تنش تر از گذشته، و اگر کشوری بتواند در چنین جهانی توافق همگان را جلب کند که راه توسعه اقتصادی و نوسازی خود را ادامه دهد، می‌تواند تبیین‌کننده نظامی جدید دست کم در منطقه خود و موجد آثاری در کل جهان باشد، بخصوص اگر این کشور مانند چین بالقوه قدرتمند باشد.

● چین، به علل گوناگون، بیشتر مایل است ایفاگر نقش دنباله‌رو باشد تا اینکه فعلاً رهبری را به دست گیرد؛ چین در سازمان ملل متحد حرف اکثریت را می‌زند و تمام کارهایی را که شورای امنیت از آن کشور توقع دارد، انجام می‌دهد.

● علیرغم روابط تیره با آمریکا، کشور چین از عقب‌نشینی بالقوه آمریکا از آسیا استقبال نکرده و گفته است: مسئله امنیت منطقه آسیا - پاسفیک باید به تدریج حل و فصل شود؛ به عبارت ساده، آمریکا لازم نیست برای خروج از این منطقه عجله کند و اساساً اگر در آنجا بماند، چینی‌ها خوشحال خواهند شد، زیرا در آن صورت می‌توانند راه توسعه اقتصادی و کسب تکنولوژی پیشرفته را با تمام قدرت و بدون وقفه ادامه دهند.

● تمامی کشورهای منطقه دست کم در یک مورد متفق‌الرأی هستند و آن اینکه چین را در وضعیت ثبات و سیاست‌های آن را درحالت مسالمت‌آمیز نگهدارند که این خود مطلوب چین است.

دلار مازاد تجاری با آمریکا داشته است)، چین طی مقاله‌ای در روزنامه «داکونگ بانو»<sup>۳۱</sup> که نشریه‌ای چینی زبان و تحت کنترل چین است و در هنگ کنگ به چاپ می‌رسد، آمریکا را به گسترش فروش کالاهای ساخته شده بوسیله زندانیان متهم نمود. در مقاله مزبور آمده بود که «بی‌جینگ» اقدامات لازم را برای غیر قانونی اعلام کردن صدور کالاهای ساخت زندانیان می‌دولت داشته و این دولت آمریکا است که به صدور کالاهای مزبور سازمان داده و آنرا تشویق کرده است. «داکونگ بانو» عنوان کرده بود که آمریکا از سال ۱۹۸۷ طبق شواهد موجود به تشویق ساخت کالاهای مختلف بوسیله زندانیان پرداخته است و «سازمان صنعت زندان در کالیفرنیا - آمریکا»<sup>۳۲</sup> کاتالوگی از اینگونه کالاهای به چاپ رسانده و آشکارا در پی فروش آنها در داخل و خارج بوده است.<sup>۳۳</sup>

زمینه دیگری که چین در آن موضع نیرومندی داشته، کنترل تسلیحات است. «بی‌جینگ» از واشنگتن و مسکو خواسته است که به پیروی از چین تعهد خود مبنی بر عدم کاربرد سلاح اتمی به عنوان اولین استفاده کننده را

16) The Four East Asian Economic Tigers (Dragons).

17) The Asian Form of Development.

18) Barber Conable

19) Tiananmen

20) Barber B. Conable jr. and David M. Lampton, «China: The Coming Power», *Foreign Affairs*, Winter 1992/93, pp. 141- 142.

21) Zhu Rongji.

22) Guangzhu.

23) Asia Pacific Challenges, Robert B. Oxham, *Foreign Affairs*, Summer (1993).

24) *The Pacific Review*, Editor Gerald Segal, (Routledge, 1993) p. 130.

25) Robert Sufler, Chinese Foreign Policy, Developments after Mao (New York, Praeger Publisher, 1991) p. 36.

26) Qian Qichen

27) *Da Kung Bao* (Hongkong)

28) US California Prison Industry Authority.

29) *Dakung Bao*, April 9th, 1993, p.3.

30) Harry Harding ed., *China Foreign Relations in the 1980 s* (New Haven, Yale Univ. Press, 1984) p. 45- 47.

1) The International Seminar on Southeast Asia: «The Challenges of the 21 st Century»

2) Professor Michael Leifer

3) Deng Xiaoping

4) Michael Leifer, quoted in Barber B. Canable: «China: The Coming Power, *Foreign Affairs*, Winter 1992/93, pp. 141-42.

5) Five Principles of Peaceful Coexistence.

6) Ten Principles of the Bandung Conference of 1955.

7) Spratlys Islands.

8) sea lines of communications (SLOCS).

9) Rafe de Crespigny, *China This Century*, Oxford University Press, 1992, pp. 15-17.

10) Mutual Security Treaty (MST).

11) Middle Kingdom

12) Zhong Gue

13) Co-operative Vigilance.

14) James Schlesinger, «Quest for a Post- Cold War Foreign Policy», *Foreign Affairs*, Summer 1993, p. 26.

15) Newly Industrialized Economies (NIE).